

Rejection of Sectarianism in Imam Musa Sadr's Dialogical Thought

Hadi Khaniki¹, Ebrahim Torki Harchagani²

¹ Professor, Department of Communication Sciences, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. hadi.khaniki@gmail.com

² Ph.D., Department of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). torki.ebrahim@gmail.com

Abstract

Lebanese society is widely characterized as a sectarian society, and religious violence in Lebanon has been regarded as a consequence of sectarianism, which became particularly prominent in Lebanese society during the nineteenth and twentieth centuries. Sectarianism in Lebanon constitutes part of the colonial legacy left by the British, French, and Ottoman Empires as a result of their involvement in the Levant. This study seeks to examine the rejection of the phenomenon of sectarianism in the thought of Imam Musa Sadr. In this regard, the experience of Sayyid Musa Sadr, as a reform-minded Shi'i cleric and a reformist *faqih* (Islamic jurist), is investigated. Accordingly, dialogue is presented as one of the most influential approaches for engaging with a pluralistic world marked by contradictions, wars, and conflicts, and particularly as an approach for the development and advancement of societies, especially in the Middle East, where, despite decades of efforts, the flames of war have continued to spread across many national borders. On this basis, Sadr's dialogical approach is introduced as an effective method for overcoming these seemingly endless conflicts through confronting sectarianism. The study adopts a mixed-methods design, employing both discourse analysis of the writings and thought of Sayyid Musa Sadr and in-depth interviews with Iranian and Lebanese scholars who possess extensive familiarity with his thought and works. The findings demonstrate how Sayyid Musa Sadr, by emphasizing dialogue and coexistence among religions and Islamic schools of thought during the 1960s to the 1980s, substantially contributed to reducing tensions within Lebanon's sectarian society.

Keywords: Imam Musa Sadr; Lebanon; Sectarianism; Intercultural Communication; Confessional System; Dialogue.

Received: 2025-07-24 ; Received in revised form: 2025-09-21 ; Accepted: 2025-10-20 ; Published online: 2025-12-26

<https://doi.org/10.22034/sm.2026.1982765.1985>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



نفی فرقه‌گرایی در اندیشه گفتگوی امام موسی صدر

هادی خانیکی^۱، ابراهیم ترکی هرچگانی^۲

^۱ استاد، گروه علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. hadi.khaniki@gmail.com

^۲ دکتری، گروه علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). torki.ebrahim@gmail.com

چکیده

از جامعه لبنان به‌عنوان جامعه فرقه‌گرا نام برده می‌شود و خشونت مذهبی در لبنان پیامد فرقه‌گرایی بوده که از قرن نوزدهم و بیستم میلادی در جامعه لبنان برجسته شده است. فرقه‌گرایی در لبنان بخشی از میراث استعماری است که امپراتوری‌های بریتانیا، فرانسه و عثمانی از زمان درگیری خود در شام به‌جا گذاشتند. در این پژوهش تلاش شده است تا به بررسی نفی پدیده فرقه‌گرایی در اندیشه امام موسی صدر پرداخته شود. در این راستا، تجربه سید موسی صدر به‌عنوان یک روحانی نواندیش شیعی و فقیهی مصلح مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس گفتگو به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین شیوه‌ها برای مواجهه با جهان متکثر و سرشار از تضادها، جنگ‌ها و درگیری‌ها و به‌ویژه به‌مثابه رویکردی برای توسعه و تعالی جوامع و به‌طور خاص خاورمیانه مطرح شده که با وجود گذشت بیش از چند دهه تلاش، همچنان شعله جنگ، بسیاری از مرزهای ملی را در نوردیده است. بر همین مبنا رویکرد گفتگوی صدر به‌عنوان روشی اثربخش برای رهایی از این ستیزهای بی‌انتهای در مقابله با فرقه‌گرایی معرفی شده است. روش پژوهش ترکیبی بوده و به‌صورت همزمان از دو روش تحلیل گفتمان آثار و اندیشه سید موسی صدر و نیز روش مصاحبه عمیق با اندیشمندان ایرانی و لبنانی که آشنایی زیادی با اندیشه و آثار وی دارند، انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه سید موسی صدر با تأکید بر گفتگو و همزیستی بین ادیان و مذاهب در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی توانسته به‌میزان زیادی به کاهش تنش‌ها در جامعه فرقه‌گرای لبنانی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: امام موسی صدر، لبنان، فرقه‌گرایی، ارتباطات میان‌فرهنگی، نظام طائفگی، گفتگو.

استاد به این مقاله: هادی خانیکی، ترکی هرچگانی، ابراهیم (۱۴۰۴). نفی فرقه‌گرایی در اندیشه گفتگوی امام موسی صدر. سیاست متعالیه، ۱۳(۴): ص ۴۱-۵۸. <https://doi.org/10.22034/sm.2026.1982765.1985>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

از جامعه لبنان به‌عنوان جامعه فرقه‌گرا نام برده می‌شود و خشونت مذهبی در لبنان پیامد فرقه‌گرایی بوده که از قرن نوزدهم و بیستم میلادی در این جامعه برجسته شده است. اپیزودهایی از تنش و خشونت طائفگی، که ریشه در سال‌های ۱۸۴۱ و ۱۸۶۰ میلادی دارد و با ایجاد کشور لبنان به اوج خود رسید، مسأله‌ای که حتی امروزه نیز به اشکال متعددی شاهد بازتولید آن در قالب‌های جدید و حتی گاهی قدیم آن هستیم. فرقه‌گرایی در لبنان بخشی از میراث استعماری است که امپراتوری‌های بریتانیا، فرانسه و عثمانی از زمان درگیری خود در شام به‌جا گذاشتند. در حالی که لبنان یک کشور جدید است، فرقه‌گرایی در آن امر جدیدی نیست. لبنان که زمانی عروس خاورمیانه نامیده می‌شد، زیبایی طبیعی و تنوع فرهنگی را با هم ترکیب می‌کند. در منطقه‌ای که به‌شدت مسطح است، کوه‌های لبنان از زمان‌های بسیار قدیم اقلیت‌های خاورمیانه را به خود جذب می‌کردند. در امنیت این کوه‌ها است که هر اقلیت به توسعه فرهنگ خود ادامه داد و به آن تنوع فرهنگی بخشید که در هیچ جای دیگر جهان یافت نمی‌شود. تنوع فرهنگی لبنان براساس تفاوت‌های قومی یا زبانی نیست، بلکه براساس فرقه‌های مذهبی است. بنابراین، واگرایی جمعی به‌مرور زمان به یک نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرقه‌ای منجر شده است. یکی از ایده‌های مهم که این پژوهش به‌دنبال آن بوده، واکاوی جایگاه و نقش سید موسی صدر در مبارزه با تضادهای داخلی ناشی از فرقه‌گرایی، در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی است. در همین راستا تلاش شده تا با تأکید بر گفتگو و با رویکرد ارتباطات میان‌فرهنگی، به مواجهه سید موسی صدر با این موضوع در آن زمان پرداخته شود.

۲. فرقه و فرقه‌گرایی

مفهوم فرقه در لغت بیانگر یک گروه یا سازمان است که اعضای آن مانند افراد هر انجمن و حزبی، هدف بخصوصی را دنبال می‌کنند، و این اهداف البته ممکن است در طول زمان تغییر یابند. اما فرقه‌ها به‌علت عملکردهای خاص درونی و روابط و مناسبات ویژه‌ای که برقرار می‌نمایند از سایر گروه‌ها و سازمان‌ها متمایز می‌گردند (تالر سینگر، ۱۳۸۷: ص ۳). این اصطلاح از نظر تاریخی برای دسته‌بندی تفاوت‌های مذهبی استفاده شده و در علم انسان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی یک مفهوم اصلی بوده که از دهه ۱۹۶۰ مورد توجه قرار گرفته است. در این گفتمان که از عمومیت بیشتری برخوردار است، تأکید می‌شود که فرقه‌ها غالباً درصدد بوده‌اند روابط اجتماعی انسان‌ها را به‌صورت تازه‌ای سامان دهند و نسل‌های تازه را با ارزش‌ها و الگوهای زندگی خاص خود اجتماعی کنند (همیلتون، ۱۳۹۰: ص ۳۲۸). این فرقه‌ها، راه و شیوه عمل مبتنی

بر سرسختی در عقاید متعصبانه یک مکتب معنوی، سیاسی و فلسفی را به رهروان خود معرفی می‌کنند که از فرقه‌گرایی حکایت دارد (خسروپناه، ۱۳۹۴). فرقه‌گرایی به‌عنوان مشکلی شناخته می‌شود که برخی کشورهای کمتر توسعه‌یافته و به‌طور خاص خاورمیانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نمونه بارز آن را می‌توان در لبنان مشاهده کرد، هرچند صرفاً به لبنان منحصر نمی‌شود. علاوه بر این، چنین پارادایمی از خصومت دیرینه بین جوامع مذهبی در دنیای مدرن حکایت دارد و اوج چنین ایده‌ای را می‌توان در نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون مشاهده کرد. شاید مهم‌ترین دستاورد یا هدف سید موسی صدر، مقابله با فرقه‌گرایی در جامعه متکثر لبنان باشد. در مجموع مصاحبه‌ها و همچنین تحلیل گفتمان اندیشه و آثار وی علاوه بر ضرورت گفتگو، بیش از هر چیز بر نقد فرقه‌گرایی و مقابله با آن تأکید شده است. البته اتخاذ چنین دیدگاهی از سوی صدر را باید در هویت دینی وی جستجو کرد. به‌واقع، نقد فرقه‌گرایی و به‌ویژه فرقه‌گرایی دینی را باید در تعالیم دینی و شیعی وی یافت.

۳. گفتگو در ارتباطات میان فرهنگی با تأکید بر جامعه چندفرهنگی لبنان

در فرهنگ مدرن، با وجود همه کاستی‌ها و ضعف‌های آن، گروه‌های مختلف فرهنگی، قومی و نژادی می‌توانند به‌طور مختلف با یکدیگر تعامل داشته باشند، اما به‌نظر می‌رسد در جوامعی با پیچیدگی‌های در حال توسعه‌ای همچون لبنان و به سبب پیشینه تاریخی آن، توانایی آنها در گفتگو در مورد موضوعاتی که برای آنها عمیقاً اهمیت دارد، بسیار دشوار بوده و در مواردی منجر به جنگ‌های خانمان‌سوز می‌شود. در اینجا از کلمه «گفتگو»^۱ استفاده می‌شود که به‌زعم هابرماس، حقیقت را به امری بین‌الذهانی تبدیل می‌کند. همچنین از نظر باختین،^۲ زیستن بدون تعامل و گفتگو و در نتیجه پذیرش بسیاری از تأثیرات دیگران در زندگی خود، ناممکن است (باختین، ۱۹۹۹: ص ۸۳). از نظر باختین، اجتماع با ظهور شخص دوم آغاز می‌شود. مفهومی که باختین از اجتماعی‌بودن در نظر دارد، نوعی پذیرش تقدم منطقی بیناذهنیت بر ذهنیت است (تودوروف، ۱۳۷۷: ص ۵۵). از همین منظر شکل‌گیری هر نوع اجتماع و ذهنیتی اگر بخواهد بین‌الذهانی باشد، منوط به پذیرش گفتگو به‌عنوان اصل بنیادین شکل‌گیری هرگونه جامعه‌ای است. در مجموع، پژوهش حاضر درصدد است نشان دهد که چگونه رویکرد گفتگویی، می‌تواند مبنای هرگونه سیاست‌ورزی برای مقابله با تنش‌ها و تضادها به‌ویژه در جوامع متکثر و چندفرهنگی مانند لبنان باشد. کنش‌هایی که ادعای گفتگو دارند، همگی از

1. Dialogue

2. Bakhthin

اصول یکسانی پیروی نمی‌کنند و با رفتار، تاریخ و ساخت اجتماعی جامعه نیز به میزان زیادی بر رویکردها، رفتارها و روش‌های افراد مختلف جهت کاهش تضادها تأثیر می‌گذارند. از این‌رو، برای ارزیابی روش گفتگویی سیدموسی صدر، در وهله اول دیدگاه حاضر ضرورتاً باید تاریخی بوده و در همین راستا نگاه ما باید تفسیری تاریخی از رویدادها ارائه دهد، تا هم بتواند درک صحیح‌تر و دقیق‌تری از آنها ارائه داده و هم از سوگیری‌ها و جهت‌گیری‌های مربوط به تفاوت‌های زمانی و تاریخی در امان باشد. به‌همین منظور، ابتدا به توصیف برخی از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه لبنانی و ویژگی‌های تاریخی آن پرداخته می‌شود که موجد چنین وضعیتی شده است.

۳-۱. لبنان و نظام طائفگی

یکی از مهم‌ترین ریشه‌های شکل‌گیری فرقه‌گرایی در سطوح مختلف سیاسی و اجتماعی که حتی ساختارهای اقتصادی و تقسیم قدرت در لبنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تقسیم‌بندی اجتماعی آن بر مبنای نظام طائفه‌ای است. این ساختار طائفه‌ای حتی بر مسائلی مانند منطقه‌گزینی، شیوه توزیع قدرت، روابط اجتماعی و سیاسی، تقسیم منابع و ساختار اقتصادی نیز تأثیر گذاشته و بیراه نخواهد بود اگر بگوئیم آنها را شکل داده است؛ به‌طوری که بر مبنای میزان قدرت و نیز اثرگذاری هر یک از این طوائف، نوع و شکل توزیع قدرت در آنها نیز مشخص شده است. وضعیت لبنان در چارچوب نظام طائفگی بیش از هر زمان دیگری آن را مستعد احیاء تضادهای دهه‌های پیشین کرده است. در طول چند سال اخیر، وضعیت امنیتی در داخل لبنان به‌واسطه تأثیرات به‌هم مرتبط ناشی از جنگ در سوریه و سایر تغییرات و دگرگونی‌ها در منطقه، بدتر شده است. رشد خشونت‌های فرقه‌ای، افزایش هجوم پناهندگان و افزایش ناکارآمدی نهادهای دولتی و فساد، ازجمله مواردی هستند که منجر به افزایش تنش‌های بین‌مذهبی و فرهنگی در این کشور شده است (یاکوبیان^۱، ۲۰۱۴). همه این موارد و نیز حوادث بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، نشان از بالا گرفتن تنش‌ها در جامعه لبنان دارد. علاوه بر شدیدتر شدن نزاع‌های مذهبی، فروپاشی اقتصادی، رشد بیکاری و بحران‌های اجتماعی، بر آتش تضادها خواهد افزود. این همان چیزی است که مکدسی^۲ (۲۰۱۰) از آن با عنوان فرهنگ طائفه‌گرایی نام می‌برد. از نظر مکدسی، محور اصلی این طائفه‌گرایی در جامعه لبنان، مذهب است که به‌مثابه موقعیتی برای مواجهات استعماری به نقطه عطف همه تنش‌ها و درگیری‌ها در لبنان تبدیل شده است. مکدسی تاریخ لبنان را یکی از دلایل شکل‌گیری این

1. Yacoubian

2. Makdisi

مواجهات می‌داند. از نظر او تاریخ از خیلی سال قبل آغاز می‌شود که در آن مذهب به موقعیتی برای مواجهات استعماری بین غرب مسیحی و امپراتوری اسلامی عثمانی تبدیل شد. این مواجهه به‌واقع عمیقاً معنای مذهبی را در جامعه چندفرهنگی لبنان تغییر داد.

۳-۲. هویت ملی در لبنان

یکی از مؤلفه‌های اصلی شکل‌گیری دولت-ملت، شکل‌گیری هویت ملی است که در آن همه شهروندان پیش از هر چیز خود را متعلق به یک حوزه جغرافیایی ملی در نظر گرفته و آن را اولویت اول برای تعریف کیستی خود قرار دهند. هویت از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که نمی‌توان در تحلیل مسائل فردی و اجتماعی، همچنین در سیاستگذاری در حوزه‌های مختلف در جامعه از آن غفلت نمود (میری و هدایتی، ۱۳۹۷: ص ۱۱-۱۲). پویایی پدیده‌های مادی و معنوی، مفهوم «ملت» را واقعیت می‌بخشد؛ پدیده‌هایی مانند یک سرزمین سیاسی مشترک، یک دین مشترک، یک زبان مشترک، یک سلسله خاطرات سیاسی مشترک، برخی دیدگاه‌های اجتماعی مشترک و یک سلسله آداب و سنن و ادبیات و هنرهای مشترک. مجموعه‌ای از همه این مفاهیم «شناسنامه‌ای ملی» پدید می‌آورد که «هویت ملی» یک گروه انسانی یا یک ملت را واقعیت می‌بخشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ص ۶۶). خود و دیگری، ما و آنها در سطح گروه ملی (ملت) بر احساس تعلق و آگاهی فرد یا افراد از میراث گذشته، سرزمین، ادبیات، زبان، دین، دستاوردها و دارایی‌های فرهنگی و اجتماعی و نیز باورها و ارزش‌های نظام سیاسی معنایی از هویت ملی را تشکیل می‌دهد که براساس آن تعریفی کلی از هویت کسانی که در یک واحد دولت-ملت زندگی می‌کنند را شکل می‌دهد. از چنین هویتی، انتظار می‌رود که به تقویت احساس همسانی، تشابه، تعلق و وفاداری افراد به گروه‌های ملی یا واحدهای جمعی نظیر ملیت و شناخت و آگاهی از تفاوت‌ها، ناهمسانی و تمایزات با سایر واحدهای جمعی (شهرام‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۲۴) کمک کند و این شرط لازم برای شکل‌گیری هویت ملی خواهد بود. اگر بخواهیم این معیارها را به‌عنوان هویت ملی در لبنان تحلیل کنیم، به‌نظر می‌رسد این کشور به‌شدت از نبود هویت ملی منسجم رنج می‌برد. نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که میزان وفاداری و احساس تعلق به این واحد ملی در لبنان، چه در زمان سید موسی صدر و چه اکنون، وضعیت چندان مناسبی نداشته و برخی از شاخص‌های هویتی دیگر است که بر هویت ملی مرجح دانسته می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف در شکل‌گیری هویت ملی در لبنان، مربوط به تاریخ و به‌ویژه تاریخ شکل‌گیری آن بوده است. با وجود قدمت تاریخی سرزمین لبنان، این حوزه جغرافیایی همواره محل تاخت و تاز و جنگ‌های بزرگ بین تمدن‌های مختلف بوده است. به‌همین دلیل

این سرزمین همواره با تغییرات جمعیتی گسترده‌ای مواجه بوده است. به‌واقع، مهاجرت‌های گسترده در لبنان، باعث شده تا معیارهای ملی که بایستی بین‌نسلی و طی تاریخ ساخت بیابد، شکل نگیرد. از آنجایی که طوائف لبنانی، همواره به برخی کشورهای دیگر وابستگی فکری و اعتقادی دارند، بیش از آنکه به هویت ملی لبنان تعلق خاطر داشته باشند، تعلق آنان به کشورهای دیگر است. از این‌رو، اغلب طوائف در این سرزمین، عموماً به یکی از کشورهای منطقه‌ای یا فرمانطقه‌ای تعلق دارند و همین امر باعث می‌شود تا با فرسایش بیشتر در هویت ملی مواجه باشد. بُعد دوم تأثیرگذار و به‌تعبیری فرسایش‌دهنده هویت ملی، هویت‌های فروملی است که در لبنان وجود دارند. این هویت‌های فروملی، که عمدتاً در قالب تکرر فرهنگی خود را نمایان می‌کند، با سایر قشر بندی‌های اجتماعی و به‌ویژه طائفه هم‌راستا شده و یکدیگر را تقویت می‌کنند. براینده همه این مسائل آن است که یک لبنانی پیش از آنکه خود را براساس هویت ملی تعریف کند، ترجیح می‌دهد هویت‌های فروملی را برای تعریف خود برگزیند. چنین وضعیتی حتی در قانون اساسی که بایستی میثاقی ملی باشد نیز بازتاب یافته است. به گفته علی رمال، استاد ارتباطات دانشگاه ملی لبنان (در مصاحبه با محقق این پژوهش): «وقتی به قانون اساسی لبنان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که لبنان، جمهوری است، ولی محکوم به موازنه طائفگی و مذهبی می‌باشد». این موازنه طائفگی از ابتدای استقلال لبنان منشأ اختلافات و چالش بزرگی در عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی لبنان بوده است: «همیشه اختلاف در لبنان بر سر توزیع و توازن قدرت بین طوائف و گروه‌ها است. درست است که بعد از استقلال لبنان، و در قانون اساسی این روابط مشخص شده، ولی همیشه در این زمینه تنش وجود داشته است» (علی رمال).

۴. روش تحقیق

در این پژوهش برای ارزیابی اندیشه گفتگویی سید موسی صدر در نفی فرقه‌گرایی، تلاش شده تا از دو روش تحلیل اسناد و مصاحبه‌های کیفی استفاده شود. در بخش تحلیل اسناد از مجموعه کتاب دوازده جلدی «گام به گام با امام» (ضاهر، ۱۳۹۶) استفاده شده که شامل مجموعه‌ای کامل از گفتارها، مصاحبه‌ها و مقالات سید موسی صدر در مدت زمان حیات ایشان در لبنان می‌باشد. این مجموعه به‌میزان زیادی ابعاد مختلف اندیشه گفتگویی صدر را توصیف کرده و می‌تواند منبع مهمی برای فهم تاریخی این شخصیت باشد. روش دوم مصاحبه عمیق با کارشناسان و افرادی است که یا از دوستان و یاران سید موسی صدر بوده‌اند و یا کسانی هستند که در این حوزه تحقیق کرده و آشنایی زیادی با اندیشه وی دارند. برخی از این افراد ایرانی و برخی دیگر نیز لبنانی بوده و طیف‌های مختلفی را شامل می‌شوند.

۵. روش‌ها و شاخص‌های گفتگویی صدر

تاریخ لبنان، و به‌ویژه تاریخ معاصر آن، سرشار از تضادها، جنگ‌ها و درگیری‌های بین کشورهای استعماری، امپراتوری‌ها و کشورهای مختلف در قالب ایدئولوژی‌های دینی، مذهبی و طائفه‌ای است. از این‌رو، این تاریخ همواره با تناوبی آونگی از جنگ و صلح همراه بوده است. این آونگ تاریخی بر سازنده وضعیت کنونی لبنان بوده و آن را به کشوری سرشار از ادیان، مذاهب و گروه‌های سیاسی و فرهنگی مختلف تبدیل کرده است. فهم چنین جایگاهی از جامعه متکثر فرهنگی، دینی و مذهبی لبنان، علاوه بر فهم روندهای کنونی، نیازمند فهم و درک فرایندها و نقاط عطف تاریخی مهم و شخصیت‌های تأثیرگذار و الگوهای ارتباطات میان فرهنگی در تاریخ این کشور است. در این پژوهش، گفتگو به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین شیوه‌ها برای مواجهه با جامعه متکثر و سرشار از تضادها، جنگ‌ها و درگیری‌ها و به‌ویژه به‌مثابه رویکردی برای توسعه و تعالی جوامع مطرح است. بر همین مبنا اندیشه گفتگویی صدر نیز به‌عنوان الگویی اثربخش برای رهایی از این ستیزهای بی‌انتهای در مقابله با پدیده فرقه‌گرایی مدنظر است. در ادامه روش‌ها و شاخص‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. لبنان به‌مثابه دال مرکزی گفتگو

برای فهم گفتمان صدر با توجه به شرایط فرقه‌گرایی لبنان، اندیشه، گفتار و رفتار ایشان را باید در تبیین مفهوم ملت لبنان جستجو کرد. به‌واقع، زمانی که سید موسی صدر بحث گفتگو، مذاکره و یا هرگونه مصالحه و در مقابل آن مبارزه را تعریف می‌کند، همه این مفاهیم حول سیاست‌ورزی در قالب مفهوم ملت لبنان مفصل‌بندی می‌شود. از همین‌رو تمام اشارات، رفتارها و گفتارهای صدر به‌نوعی ثبات، پیشرفت و توسعه در قالب مفهومی به اسم لبنان ختم می‌شود و با پذیرش این پیش‌فرض است که با تولید یک مفهوم فراگیر که تمام گروه‌ها، فرقه‌ها و مذاهب را دربرمی‌گیرد، امکان تولید وضعیت اجتماعی همه‌شمول فراهم می‌گردد. راه‌حل سید موسی صدر برای شکل دادن به مسئله ملت لبنان و توسعه آن به‌ویژه در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، همواره گفتگو بوده است. از همین‌رو است که هرگاه وی از گفتگو و ضرورت آن در جامعه لبنان سخن می‌گوید، بلافاصله گفتمان توسعه لبنان و عدالت اجتماعی در آن را نیز مطرح می‌کند: «ایمان من به خدا و عشقی که به لبنان دارم، موضع مرا تعیین می‌کند. موضع من مبارزه در راه خیر و صلاح کشور و عدالت اجتماعی و دراز کردن دست یاری به‌سوی هر انسان محرومی است» (ضاهر، ۱۳۹۶: ج ۴، ص ۱۷۰). سید موسی صدر در شرایطی به گفتگوی بین فرقه‌ها تمسک می‌جوید که به‌نظر می‌رسد امکان آن از بین رفته باشد،

اما وی چنین وحدتی برای پذیرش گفتگو میان همگان را تنها راه رهایی از وضعیت موجود معرفی می‌کند: «باید جنبشی ملی و دردمند و پرشور شکل می‌گرفت، تا از موانع ساختگی میان فرزندان این کشور عبور کند ... جنبشی برخاسته از ایمان عمیق به خدا و میهن و انسان» (همان: ج ۴، ص ۳۶۶). همچنین در پاسخ به جنگ‌های داخلی عنوان می‌کند: «راهی به جز همزیستی نمانده است ... ما لبنانی یکپارچه می‌خواهیم که در آن همزیستی کنیم. این سرنوشت ما است» (همان: ج ۱۲، ص ۱۵۶).

۲-۵. فرقه‌گرایی؛ وجه سلبی گفتگو درباره لبنان

در اندیشه صدر و حتی در ادبیات و اندیشه‌های سیاسی مربوط به لبنان در دهه ۱۹۸۰ میلادی که تاکنون نیز ادامه یافته است، آنچه بیش از هر چیز دیگر مانعی اصلی بر سر راه شکل‌گیری ملت لبنان بوده، فرقه‌گرایی است. هویت‌های فرقه‌ای و گروهی عموماً بر هویت‌های ملی تقدم داشته و بر همین اساس منازعات در لبنان در جهت منافع فرقه‌ای، و نه ملی پیش رفته است. بنابراین، سید موسی صدر اولین وجه سلبی در هرگونه گفتگویی را مبارزه با فرقه‌گرایی عنوان می‌کند: «فرقه‌گرایی به این شکلی که اعمال می‌شود، بلای جان لبنان و علت و اساس مشکلات آن است» (همان: ج ۴، ص ۳۴۱). همچنین وی در بخش‌های مختلفی به تبیین آثار و پیامدهای تجربیات پیشین می‌پردازد که چگونه به فرقه‌گرایی منجر شده و حاصل آن وضعیت کنونی بوده است. با این حال نکته اصلی در گفتمان صدر در رابطه با وضعیت فرقه‌گرایی در لبنان را باید در این جمله وی جستجو کرد که: «نظام فرقه‌ای با وجود آنکه مسئله‌ای کاملاً سیاسی است، اکنون لباس دینی به تن کرده است» (همان: ج ۳، ص ۳۶۶). بر همین اساس است که صدر به‌شدت با چنین شیوه‌ای از فرقه‌گرایی مبارزه می‌کند و تلاش دارد تا آن را در محور گفتگوها و کنش‌های خود قرار دهد: «ما فرقه‌گرا نیستیم، بلکه پیش‌روی مسلمانانیم، برای همه و نه خودمان، جان خود را فدا می‌کنیم، من تشیع را اینگونه می‌فهمم» (همان: ج ۱۲، ص ۲۷). منطق گفتگویی صدر در چنین وضعیتی معنا پیدا می‌کند. وی واقعیت جامعه لبنان را در گرو فهم تکثر و تنوع فرهنگی در لبنان معرفی می‌کند: «تأکید بر تکثر و تنوع در جامعه لبنانی با توجه به میراث‌ها و تمدن‌های اصیلی که دارد، زیربنای ساختار سیاسی جدید برای لبنانی یکپارچه است» (همان: ج ۸، ص ۱۲۹). بدون پذیرش تکثر و تنوع فرهنگی، فکری و مذهبی، فهم گفتگو غیرممکن خواهد شد و امکانی برای مجال آن به‌وجود نخواهد آمد. از همین‌رو است که سید موسی صدر به‌رسمیت شناختن دیگری در قالب کلیتی به اسم ملت را ترویج کرده و آن را سنگ‌بنای هرگونه کنش‌ورزی معرفی می‌کند: «فرق لبنان، پنجره‌ای به‌سوی تمدن و فرهنگ هستند و چون به تکامل رسیده‌اند، تکثر آنها پدیدآورنده همبستگی و یکپارچگی است» (همان: ج ۸، ص ۱۳۰).

۵-۳. دیگری و تفاوت، مبنای اندیشه گفتگویی صدر

سید موسی صدر تلاش دارد تحت عنوان «تفاوت» و یا «دیگری» تهدیدی برای گروه‌های دیگر به حساب نیاید. به همین دلیل در راه‌اندازی جنبش محرومان، به صورت مکرر به این نکته پافشاری می‌کند که: «فرقه‌گرایی هیچ‌جایی در انگیزه‌ها و ابعاد این جنبش ندارد، مگر در پذیرفتن مسئولیت‌ها و تقدیم خدمات و حتی قربانی در این راه» (همان: ج ۴، ص ۳۵۴). همچنین با تأکید بر بُعد مذهبی تشیع می‌گوید: «باب اجتهاد، ویژگی‌های تمدنی مشخصی برای شیعیان ایجاد کرد، از جمله افتتاح و گشودگی در برابر دیگر مذاهب و ادیان» (همان: ج ۱۲، ص ۳۰). صدر برای مقابله با این چالش تلاش دارد تا منطق تفاوت و پذیرش آن از سوی همگان را ترویج کند: «انسان به دیگران وابسته است و از همان آغاز به هم‌نوعانش نیاز داشته و فرهنگ او ارتباطی کلی با وجود دیگری دارد» (همان: ج ۳، ص ۱۴۶). این همان منطق پذیرش تفاوت است که در آن: «وحدت ملی، همکاری مخلصانه است، نه اینکه گروهی در گروه دیگر ذوب شوند» (همان: ج ۱، ص ۲۱۳). پرواضح است که نمی‌توان سخن از هویت به میان آورد، مگر آنکه همزمان سخن از تفاوت نیز به میان آید: «ممکن است در دیدگاه‌ها با هم اختلاف داشته باشیم، همچنان که ظاهرمان با هم تفاوت دارد، افکار و اندیشه‌ها هم متفاوت است» (همان: ج ۱، ص ۱۴۱). بعضی مواقع تفاوت‌ها خصومت‌آمیزند و نه تنها سبب درک و تفاهم نمی‌شوند، بلکه باعث به حاشیه راندن و طرد «دیگری» نیز می‌شوند، گاهی اوقات آشکار و برخی مواقع پنهان‌اند. اما مسئله صدر تنها تأکید بر هویت دیگری نیست، بلکه آنچه او را با چالش مضاعفی روبرو کرده، موقعیت فرودستی است که شیعیان در آن گرفتار شده‌اند و بیش از هر گروه دیگر، به مثابه دیگری متخاصم شناسایی شده و طرد می‌شوند. به همین جهت برخی اوقات، برنامه‌های صدر به عنوان دمیدن بر آتش فرقه‌گرایی تفسیر می‌شود، همان مسئله‌ای که وی تلاش دارد تا با آن مبارزه کند: «اینکه ما خواستار احقاق حق شیعیان هستیم، اصلاً به معنی دعوت به فرقه‌گرایی در لبنان نیست، به عبارت صحیح‌تر، شاید بتوان گفت که منظور ما از فرقه‌گرایی مثبت و تعامل با همه مذاهب اسلامی و مسیحی برای ارتقاء سطح همه این مذاهب است» (همان: ج ۱، ص ۱۴۴).

به نظر می‌رسد چنین رویکردی موفقیت‌آمیز بوده است. به طوری که برای مثال پدر یواکیم مبارک (از رهبران مسیحی لبنان) در وصف وی می‌نویسد: «باور شخصی من این است که شیعی بودن امام و جنبش او نه به انکار نیاز دارد و نه توجیه، گذشته از آنکه وطن‌دوستی امام و فراگیر بودن جنبش او نیز جای تردید ندارد. من این شیعه بودن وی را ضمانت بزرگی برای اصالت جنبش و عامل پیوند آن با جهان عرب در ژرفای تاریخ می‌دانم» (همان: ج ۴، ص ۳۴۶).

۵-۴. تکثرگرایی فرهنگی: مبنای شکل‌گیری گفتگو

به‌نظر می‌رسد سید موسی صدر، دست‌کم در بعد عملی و همچنین در رفتار خویش قائل به‌نوعی تکثرگرایی فرهنگی در قالب ملت واحد لبنان بوده است. این قائل‌بودن به تکثر را هم در رفتار و هم در گفتار وی می‌توان مشاهده کرد که در وهله اول تقریب بین مذاهب اسلامی را مطرح کرده و درباره پیوند و همبستگی میان مذاهب اسلامی صحبت به‌میان می‌آورد: «اسلام دینی واحد است و مسلمانان امتی واحدند؛ پیامبرشان یکی است، کتاب‌شان، قرآن، یکی است؛ قبله‌شان یکی است؛ احکام‌شان یکی است؛ هرچند در دیدگاه‌ها و نگرش‌ها تفاوت وجود دارد» (همان: ج ۵: ص ۴۶-۴۵). او تنش بین فرق اسلامی را به‌شدت تقبیح کرده و می‌گوید: «فرق میان سنی و شیعه، فرق دینی نیست. محمد(ص) راضی نیست که امتش به این شکل پراکنده و از هم گسسته باشد. ما امتی واحد هستیم و باید اینگونه باقی بمانیم» (همان: ج ۵: ص ۴۶-۴۵). از همین‌رو است که وی بیش از هر چیز دیگر بر اصلاح دینی در درون جامعه لبنانی تأکید کرده و به‌واسطه ماهیت دینی جامعه لبنان، تکثرگرایی فرهنگی را تنها مسیر درست در راه توسعه لبنان تبیین می‌کند. به‌همین دلیل زمانی که وی به نقد فرقه‌گرایی می‌پردازد، بلافاصله راهکار را در تقریب مذاهب جستجو نموده و از این رهگذر است که: «مجلس اعلا به‌هیچ‌روی عامل تفرقه مسلمانان نیست؛ زیرا شرط همبستگی میان مسلمانان، تقریب آنان با یکدیگر بوده و شرط تقریب گفتگو است» (همان: ج ۲: ص ۱۱۳). چنین فرایندی منجر به‌نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز بین گروه‌های مختلف دینی می‌شود و به‌واقع آنتی‌تزی در مقابل جنگ‌های فرقه‌ای بوده که بین طوائف مختلف در سرزمین لبنان شکل می‌گیرد. به‌همین دلیل است که سید موسی صدر مانیفست خود را اینگونه بیان می‌کند: «ما از همزیستی میان خداپاواران در سرزمین خود با جان خود دفاع نموده و با همه توان از مسیحیان و مسلمانان و همه هموطنان دفاع می‌کنیم» (همان: ج ۵، ص ۷۷). پذیرش دیگری در عین اثبات نقش و جایگاه شیعیان در لبنان همان موضعی است که بارها در گفتار سید موسی صدر تکرار می‌شود: «ما ثابت کردیم که همکاری میان مذاهب امکان‌پذیر است. این ویژگی لبنان در بستر دموکراسی شکل گرفته و از این‌رو عامل اصلی موجودیت لبنان و متمایز بودن آن و همچنین رسالت متمدنانه آن در گرو دموکراسی است» (همان: ج ۵، ص ۹۱).

۵-۵. انطباق ارتباطی: حلقه گمشده

بحث بعدی در رابطه با نفی فرقه‌گرایی، نوع و شکل ارتباط مبتنی بر تکثرگرایی فرهنگی است که عموماً رابطه بین ما (دین خودی) و آنها (سایر ادیان) را تعیین می‌کند. لذا، تلاش می‌شود تا از مفهوم انطباق ارتباطی

به‌عنوان رویکرد صدر در ارتباط با سایر ادیان استفاده شود. این نظریه از سوی گیلز و همکاران^۱ (۲۰۰۷) ارائه شد. انطباق ارتباطی، شیوه‌هایی را که ارتباط‌گران برای برقراری ارتباط و تأثیرگذاری بر یکدیگر به‌کار می‌برند، توضیح می‌دهد. براساس این نظریه، افراد استراتژی‌های همگرایی، واگرایی و اثبات را برای اعلام نگرش‌های خود به طرف دیگر اتخاذ می‌کنند. اولین مرحله از این الگوی ارتباطی که صدر آن را به‌کار می‌برد، همگرایی در شکل‌گیری ارتباطات بین فرهنگی و بین دینی است. همگرایی در یک موقعیت ارتباطی زمانی رخ می‌دهد که ارتباط‌گر (موسی صدر) الگوی بیانی و یا رفتاری‌اش را برای ایجاد مشابهت با طرف دیگر شکل داده و مدیریت می‌کند. در چنین موقعیتی، امکان شکل‌گیری تعامل و همگرایی بالا می‌رود: «از ده سال پیش با مشارکت عده‌ای از همکاران، گفتگوی اسلامی- مسیحی را از رهگذر نشست هم‌اندیشی لبنان آغاز کردیم که دستاوردی فرهنگی و نتایج عملی به‌دنبال داشت. حتی بالاتر از این، دیدارها و نشست‌های سودمندی طی این سال‌ها در زمینه‌های گوناگون داشتیم که امیدواریم بتوانیم این تلاش‌ها را با تشکیل مجلس اعلای فرق لبنان تکمیل کنیم. به‌نظر ما این طرح صفحه جدیدی در تاریخ ادیان و تاریخ لبنان خواهد گشود» (ضاهر، ۱۳۹۶: ج ۵، ص ۳۲۰). با این حال کنش ارتباطی وی در مقابله با دیگران، همواره همگرا نبوده و در مواردی و بسته به شرایط خاصی، از رویکردهای واگرایی برای برقراری ارتباط استفاده می‌کند. این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که ارتباط‌گر بخواهد بر سبک کنش ارتباطی خاص و متمایز خود نسبت به دیگری تأکید کند. به‌واقع استراتژی تباین با هدف تأکید بر تفاوت‌های میان طرفین ارتباط اتخاذ می‌شود. به‌تعبیری، در برخی موقعیت‌های ارتباطی، افراد تمایل دارند تا تفاوت‌هایشان را نشان داده و اثبات کنند. چنین رویکردی، به‌ویژه در موارد دفاع از حقوق شیعیان و محرومان جنوب لبنان بیشتر از هر چیز دیگری خود را نمایان می‌کند.

۶. کنش‌ها و مؤلفه‌های ارتباطی صدر

اعتقاد ما بر این است که روش و منش سید موسی صدر را می‌توان به‌مثابه الگویی برای مقابله با تضادها و تنش‌ها در جوامع چندفرهنگی به‌کار برد. هرچند با ربوده شدن ایشان و ناتمام ماندن پروژه وی برای توسعه لبنان، بخش زیادی از امیدها برای تحقق چنین آرمانی از دست رفت، اما می‌توان با بازخوانی و تفسیر کنش‌های وی، دست‌کم الگویی برای توسعه و همچنین مقابله با فرقه‌گرایی ارائه کرد که مبتنی بر ارتباطات میان‌فرهنگی با استفاده از اصل گفتگو و مفاهمه است. بخش مهمی از فرایند این پژوهش تلاش در جهت تبیین این الگو و مشخص کردن مهم‌ترین کنش‌ها و مؤلفه‌های ارتباطی آن است.

الف) تأکید بر هویت ملی در تقابل با فرقه‌گرایی: یکی از مهم‌ترین اصول مربوط به پیکارهای سید موسی صدر که بر نقش و اهمیت گفتگو تأکید می‌کرد، اهتمام بر اصل هویت ملی در لوای نوعی تکثرگرایی فرهنگی در جامعه لبنان بوده است. فرقه‌گرایی در جامعه لبنانی صرفاً مسأله‌ای فرهنگی نبوده و منجر به شکل‌گیری قشربندی‌های اجتماعی و اقتصادی آزاردهنده‌ای شده است. این فرقه‌گرایی همواره با برخی از نابرابری‌های اجتماعی هم‌راستا شده است؛ به گونه‌ای که در آن زمان، جامعه شیعه در فقر و عسرت به سر می‌برد. تنازعات حول فرقه‌ها همواره با تنازعات بر سر دستیابی به منابع ثروت و قدرت همراه بوده و به همین دلیل به تعمیق شکاف‌ها کمک می‌کرد. این وضعیت می‌تواند هر لحظه منافع سیاسی و منابع اقتصادی را به سمت یک گروه دینی- مذهبی خاص متمایل کرده که همین نابرابری، در زمان‌های خاصی به یکی از مهم‌ترین عوامل کشمکش، تضاد و جنگ داخلی تبدیل می‌شود. از طرف دیگر، در بُعد فرهنگی شاهد نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز بین طوائف لبنانی هستیم که نوعی تناقض و پیچیدگی در سطح ارتباطات بین فرهنگی ایجاد می‌کند. ماحصل این وضعیت، یعنی همزیستی مسالمت‌آمیز در عرصه مدنی و فرهنگی از یک سو، و وجود تضادهای منافع و منابع در سطوح سیاسی و اقتصادی از سوی دیگر، منجر به شکل‌گیری تناقضات زیادی در عرصه ارتباطات میان فرهنگی شده که گاهی رواداری بسیار بالا رخ داده و گاهی تضاد و تناقض‌های شدیدی را به همراه دارد. بنابراین، هدف اصلی صدر در وهله اول دادن وزنه مناسب به همه گروه‌ها و به ویژه شیعیان برای ورود به عرصه گفتگو بوده و پس از آن تأکید بر هویت ملی به عنوان ریسمان وحدت در جامعه لبنان است.

ب) تأکید بر جنبش‌های فرهنگی اجتماعی تکثرگرا و نفی بنیادگرایی: با گسترش جنبش‌های بنیادگرایانه در جهان و به ویژه گروه‌های تکفیری همچون داعش و القاعده، گفتگو در مورد دین و نقش آن در کاهش بنیادگرایی دشوار شده است؛ اما مطالعه تجربه سید موسی صدر به عنوان یکی از رهبران دینی دهه ۶۰ تا ۸۰ قرن بیستم میلادی، حاکی از آن است که چگونه دین می‌تواند به مثابه بُعدی رهایی‌بخش در پیشبرد و اصلاح جامعه عمل کرده و نه تنها مروج خشونت نبوده، بلکه در ذات خود قائل به گفتگو و صلح و توسعه برای همه باشد. چنین تفسیری از دین را می‌توان در اندیشه و تجربه موسی صدر یافت. در لبنان با وجود بسیاری از مظاهر مدرنیته، اما هنوز هم فرایندهای هویت‌یابی در این کشور به شدت تحت تأثیر مقوله‌های طائفه‌ای قرار دارد. انتقال ایدئولوژی‌های طائفه‌گرایانه به نسل‌های بعدی، آنچنان مشهود است که بسیاری از مردم در این کشور و حتی نسل‌های جدیدتر لبنانی خود را براساس هویت‌های طائفگی که در بسیاری اوقات مبتنی بر تضاد با دیگری است، صورت‌بندی می‌کنند. در چنین جامعه‌ای سید موسی صدر به عنوان یک روحانی نواندیش شیعی و فقیهی مصلح، تلاش دارد علاوه بر اهتمام به امر توانمندسازی شیعیان و توجه به نهادسازی و

تأسیس سازمان‌های مدنی، با ایجاد همگرایی و نزدیکی گروه‌های دینی و مذهبی مختلف به یکدیگر در قالب گفتگوهای بین‌فرهنگی، بارها مانع از شعله‌ور شدن آتش خشم و انتقام میان طوائف لبنانی شده و به‌نظر می‌رسد که ارائه‌دهنده الگوی اثرگذاری در جامعه لبنان است که به‌تعبیر هانتینگتون بیش از هر وضعیت دیگری موجب برخورد‌ها و تضادهای تمدنی بوده است. در چنین شرایطی، ضرورت ایجاد جنبش‌های فرهنگی و اجتماعی برای روشنفکران و مصلحانی همچون سید موسی صدر بسیار مهم می‌شود. از این منظر صدر، به‌عنوان یکی از پیشروهای جنبش‌های رهایی‌بخش شیعی، علاوه‌بر تلاش برای ایجاد اتحاد با کشورهای مسلمان و جنبش‌های اجتماعی همفکر، برای مقاومت در برابر نیروهای سلطه‌جو به‌ویژه رژیم اسرائیل تلاش می‌کند.

پ) اصلاحات به جای انقلاب: ویژگی غالبی که عمدتاً در میان روشنفکران دینی به‌ویژه در ایران و لبنان که معتقد به مدرن‌سازی جامعه بودند، گرایش‌های چپ‌گرایانه و غالباً انقلابی بوده است. به‌واقع از دیدگاه آنان، هرگونه تغییر در ساختارهای اجتماعی، نیازمند انقلاب، به‌ویژه در ساختارهای سیاسی بوده است. اما رویکرد صدر، با جریان‌های مسلط در میان روشنفکران دینی متفاوت است. این تفاوت‌ها از اندیشه و دیدگاه‌های اجتماعی و حتی فقهی وی سرچشمه می‌گیرد. اولین نکته مربوط به عدم گرایش به اندیشه‌های چپ‌گرایانه است. نکته دوم که از مهم‌ترین شاخص‌های سید موسی صدر به‌شمار می‌رود، عدم اعتقاد وی به «انقلاب» در ساختار سیاسی لبنان است. هرچند این موضع صدر، تا حدی برگرفته از شرایط جامعه لبنانی باشد که در آن امکان انقلاب وجود نداشته و ندارد و چنین دیدگاهی تنها می‌تواند به‌نوعی جنگ داخلی منجر شود، اما به‌لحاظ منش اخلاقی و سیاسی، وی کاملاً رویکردی اصلاح‌گرایانه داشته و از رادیکالیزه کردن هر نوع کنش اجتماعی به‌شدت پرهیز می‌کند. رویکرد سید موسی صدر اصولاً نمی‌تواند شکل انقلابی به‌خود گرفته باشد و بیشتر سمت و سویی فرهنگی را دنبال می‌کند. اهمیت مطرح کردن این بحث از آن جهت است که در آن زمان، بسیاری از روشنفکران دینی در ایران و در بسیاری از کشورهای دیگر جهان به‌شدت معتقد به پراکسیس‌های انقلابی بوده و نظریات و کنش‌های آنان نیز بر همین مبنا پیش رفته است. به‌تعبیری، گفتمان غالب و مسلط در عصر موسی صدر، گفتمانی انقلابی بوده که یک‌سوی آن مذهب و یک‌سوی دیگر آن اندیشه‌های چپ‌گرایانه بوده است. اما سید موسی صدر معتقد است که هرچند دین می‌تواند به‌مثابه تفکری برای اصلاح جامعه در نظر گرفته شود و قادر به بسیج اجتماعی است، اما انقلابی بودن آن، به‌ویژه برای جامعه متکثر لبنانی بسیار خطرناک خواهد بود. از طرف دیگر، جامعه لبنان یک جامعه متکثر قوی و مذهبی است که به‌لحاظ میزان قدرت سیاسی، فرهنگی و تا حدی نظامی، تعادلی بین این گروه‌ها وجود دارد. به‌همین دلیل

هیچ گروهی نمی‌تواند به‌تنهایی و بدون مشارکت سایر گروه‌ها، انقلابی همه‌جانبه در لبنان را رهبری کند. بنابراین، از نظر صدر، ضرورت و یا حتی امکان شکل‌گیری انقلاب در جامعه لبنان، به‌ویژه با تأکید بر هر نوع ایدئولوژی دینی منتفی خواهد بود. به‌همین دلیل است که اصولاً روش‌ها و شیوه‌های برقراری ارتباطات وی با شیوه‌های ارتباطی انقلابیون آن دوره بسیار متفاوت است. اگر در میان روشنفکران دینی طرفدار انقلاب، «خطابه» - مثل سخنرانی‌های پر جنب‌وجوش شریعتی - محبوبیت و اثرگذاری بیشتری دارد، اما در گفتمان صدر شکل غالب ارتباطی، «گفتگومحور بودن» و «ارتباطات آئینی» مبتنی بر روابط رودررو برای دستیابی به فهم و درک متقابل، اهمیت بیشتری داشته است.

ت) ارتباطات و مشارکت آئینی در اندیشه صدر: سید موسی صدر از مذهب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردها برای مقابله با فرقه‌گرایی و همچنین اصلاحات اجتماعی و مبارز با فقر استفاده می‌کند. این رویکرد نیازمند استفاده از آن چیزی است که از آن با عنوان «ارتباطات آئینی» نام برده می‌شود که مبتنی بر مناسک و آئین‌هایی است که نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به هویت‌های گروهی داشته و غالباً به‌عنوان امری پذیرفته‌شده به‌کار می‌رود. از نظر باسو و سنفت^۱ (۲۰۰۹: ص ۲)، «ارتباط آئینی نوعی تعهد یا همکاری است که شامل ایجاد دانش فرهنگی در شیوه‌های متفاوت محلی تعامل انسانی گفتارمحور است. همچنین ارتباطات آئینی نوعی هنر است، نشانه‌ای که نه‌تنها شامل گفتار، که شیوه‌هایی را دربرمی‌گیرد که در زمینه‌های خاصی از تعامل اجتماعی قابل پیش‌بینی است». دیدگاه آئینی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی صدر در نظر گرفته می‌شود، و بر چندوجهی بودن ذاتی آن تأکید می‌کند، که در آن زمان‌بندی، و مکان‌های خاص شکل‌گیری چنین شکلی از ارتباطات که به‌طور رسمی طبقه‌بندی شده‌اند، همگی نقش‌های اساسی در پیشبرد اهداف وی در جهت ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز ایفا می‌کنند. از این منظر، شاخص‌های ویژه‌ای برای این شکل از ارتباطات در نظر گرفته می‌شود: «متأسفانه غالب گفتگوهای دینی که در جهان صورت می‌گیرد، فقط در سطح نخبگانی است؛ ولی امام موسی صدر آن را به یک خواست عمومی تبدیل می‌کند ... امام موسی صدر تلاش می‌کند تقریب مذاهب را از فضای گفتگویی بین علمایی به کف خیابان بیاورد» (رسول رسولی‌پور در گفتگو با محقق). سید موسی صدر، به‌واسطه فهم عمیق نسبت به تضادهای ملی که عمدتاً مبتنی بر تفاوت‌های مذهبی بوده است، شکلی از ارتباطات و گفتگو را برمی‌گزیند که رابطه مستقیمی با همین تضادها داشته و از طرف دیگر به‌علت پیوند آن با مناسک، می‌تواند بیشترین اثربخشی را داشته باشد.

صدر، برخلاف برخی از فقهای سنتی که خط قرمز صریحی بین مذاهب ترسیم کرده و به واقع میزان ارتباطات بین مذاهب را به حداقل رسانده بودند، تلاش دارد تا با استفاده از ارتباطات آئینی، بالاترین میزان ارتباطات بین مذاهب را شکل دهد و قائل به نوعی گفتگوی بین دینی است که با فهم و درکی متقابل همراه باشد. وی با شرکت در اینگونه آئین‌ها، به‌وضوح در ترویج ایده‌های صلح‌گرایانه و تقریب مذاهب، ابتکار عمل را به‌دست می‌گیرد. همچنین با گردهم آوردن رهبران مذهبی لبنان و حتی شرکت در آئین‌های مذهبی جهانی و همچنین مشارکت در مناسک دینی آنان قصد دارد به تمام مردم لبنان و حتی جهان نشان دهد که همه ادیان، علی‌رغم اختلافات می‌توانند در جهت همزیستی و صلح حرکت کنند. با این حال باید توجه داشت که اجرای عملی ارتباطات آئینی، امری دشوار بوده و از آنجا که در لبنان همواره تفکرات قالبی شدیدی وجود دارد، لذا شرکت در چنین آئین‌هایی ممکن است با «تکفیر» همراه شود و شرکت در چنین برنامه‌هایی گاهی با شدیدترین مخالفت‌ها همراه بوده است: «برخی به ایشان ایراد می‌گرفتند که چرا با مسیحی‌ها نشست و یا به کلیسا رفتی و چرا حضور مسیحی‌ها در قدرت را می‌پذیری و این خلاف اسلام است و مسیحی باید جزیه بدهد و دولت باید اسلامی باشد و... اما ایشان قبول نمی‌کرد و می‌گفت این عین اسلام است» (محمدعلی مهدی).

سید موسی صدر در چنین ارتباطی ضمن به اشتراک گذاشتن آئین‌ها، تلاش دارد تا بیش از هر چیز دیگری بر ابعاد مشترک این ادیان تأکید کرده و ابعادی از هویت‌های مذهبی را تقویت کند که در میان این ادیان مشترک هستند. چنین رویکردی از ارتباطات آئینی، پذیرایی و حمایت از افرادی از سایر ادیان یا دعوت از آنها برای دیدار، جشن گرفتن یا حتی شرکت در زندگی آئینی جامعه، نمادی از تمایل به فزاینده رفتن از حل تضادها و دعوت به مشارکت جمعی برای حرکت به سمت توسعه‌ای مبتنی بر واحد ملی در کل لبنان بوده است. رضا اسکندر، استاد دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه ملی لبنان در این خصوص می‌گوید: «ایشان معتقد بود منشأ ادیان و مذاهب، الهی و مشترک هستند و هدف ادیان الهی این است که در خدمت مردم باشند و برای مردم تلاش کنند، نه اینکه مردم فدای ادیان شوند و روی همین اصل از برخوردهای فرقه‌ای که در لبنان رایج بود، فاصله گرفت». براساس استراتژی صدر، اشتراک مناسک به‌عنوان راهی برای ابراز همبستگی با طائفه و جامعه مذهبی دیگری عمل می‌کند. این مسئله به‌ویژه برای دین اسلام و طائفه شیعه اهمیت بسیار بالایی دارد؛ به این دلیل که عموماً با پدیده فزاینده شیعه‌هراسی و حتی اسلام‌هراسی در جامعه لبنان و جاهای دیگر مواجه هستیم، در رابطه با حکومت و حتی مواجهه با سایر ادیان مطرح می‌شود. طلال العترسی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ملی لبنان، این استراتژی را اینگونه توصیف می‌کند: «امام موسی صدر به‌صورت عملی به تعدد طوائف مذهبی، فکری و سیاسی و تکثر فرهنگی در لبنان ایمان داشت و به‌صورت اساسی اصرار بر تأسیس و

تثبیت تفاهم اسلامی - مسیحی و از طرف دیگر تفاهم اسلامی - اسلامی داشته و معتقد بود این تعدد دینی (اسلامی - مسیحی) در لبنان و تعدد مذهبی (شیعه و سنی و...) اساس وجودی و استقرار لبنان است». از سوی دیگر، تأکید وی بر رویکردهای اجتماع‌محوری بود که در آن هرگونه اصلاح را از متن و زمینه اجتماعی آن در نظر گرفته و معتقد است که رویکردهای اصلاح‌گرایانه، برخلاف رویکردهای رادیکال، رویکردی از پایین به بالا بوده و از این‌رو نیازمند اشکال متفاوتی از الگوی ارتباطی است که انطباق زیادی با منطق گفتگو دارد. بنابراین، ایده صدر دستیابی به سطح ارتباطات توسعه از سطح نخبگانی به سطح ارتباطات مردمی بوده که مبنای آن را بر گفتگو استوار کرده است.

۷. نتیجه‌گیری

در واقع نخ تسبیحی که تمام رفتارها و گفتارهای سید موسی صدر را در نفی فرقه‌گرایی به هم پیوند زده، تأکید بر گفتگو بین فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب مختلف در لبنان بوده است. این گفتگو دارای الزامات و ضروریات بنیادینی است که مهم‌ترین آنها پذیرش تکثر فرهنگی در جامعه لبنان و در کنار آن برابری همه طوائف و گروه‌ها در قالب یک هویت ملی بوده است. پذیرش تکثر به‌عنوان پیش‌شرط گفتگو، با برخی دلالت‌های دیگر همراه خواهد بود که برخی از مهم‌ترین این دلالت‌ها همزیستی مسالمت‌آمیز بین این گروه‌ها خواهد بود. همچنین آزادی همه گروه‌ها و طوائف برای بیان آراء و اندیشه‌های خود شرط دیگر استفاده از رویکردهای گفتگو‌محوری است که در اندیشه صدر مشهود است. با این حال، گفتگو و آزادی در اندیشه و بیان آن در جامعه ملتهب و به‌شدت مستعد جنگ لبنان، نیازمند نوعی همگرایی ارتباطی بوده است که در آن تأکید بر مشابهاًت، بایستی جایگزین نقاط افتراق شود. در چنین وضعیتی تأکید بر تفاوت، به‌جای اصرار بر تعارض، تضاد و طرد دیگری، نیازمند نوعی ایثارگری و سعه‌صدر است که باید در میان همه طرف‌ها وجود داشته باشد. سید موسی صدر در پرتو چنین اندیشه‌ای، توانست در مدتی نزدیک به دو دهه فعالیت منسجم خود در جامعه لبنان، تأثیرات شگرفی بر گروه‌ها و طوائف لبنانی بگذارد. هرچند این پروژه با ربوده شدن وی ناتمام ماند و به‌علل مختلفی ادامه نیافت، اما هنوز هم اندیشه، آثار و تجربه وی به‌مثابه روشی برای پایان دادن به برزخ فرقه‌گرایی در جامعه لبنان و در جوامع با شرایط مشابه مورد توجه است.

منابع

- تالر سینگر، مارگارت (۱۳۸۷). *فرقه‌ها در میان ما*، ترجمه: ابراهیم خداینده. تهران: نشر ماهریس.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۷۷). *منطق گفتگویی میخائیل باختین*. ترجمه: داریوش کریمی. تهران: نشر مرکز.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی امنیتی فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۶۴.
- شهرام‌نیا، سید امیرمسعود؛ مهرابی کوشکی، راضیه؛ پور رنجبر، مهدیه (۱۳۹۳). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر میزان هویت ملی. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۳(۹).
- ضاهر، یعقوب (۱۳۹۶). *گام به گام با امام، مجموعه گفتارها و مصاحبه‌ها و مقالات سید موسی صدر*. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ج ۱-۵، ۸، ۱۲.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: انتشارات سمت، ج ۱.
- میری، سید جواد؛ هدایتی، بیتا (۱۳۹۷). *هویت و صلح*. تهران: انتشارات نقد فرهنگ.
- همیلتون، ملکم (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر ثالث، چاپ سوم.
- Bakhtin, M. (1999). *Toward a Philosophy of Act*, Trans Vadim Liaponuv. Texas: University of Texas Press.
- Basso, E. B. & Senft, G. (2009). *Ritual Communication*. Oxford: Berg.
- Giles, H. & et al. (2007). *Communication Accommodation Theory*. In: B. B. Whaley & W. Samter (Eds.), *Explaining communication: Contemporary theories and exemplars* (pp. 293-310). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Makdisi, U. (2010). *The Culture of Sectarianism Community, History, and Violence in Nineteenth-Century Ottoman*. Lebanon: University of California Press.
- Yacoubian, M. (2014). *Renewed Conflict in Lebanon*. Council on Foreign Relations.